

همراهی اثربخش ایمان و عمل صالح در قرآن با تکیه بر المیزان

حبیب‌رضا ارزانی*

محمد رضا ارزانی**

چکیده

در بسیاری از آیات کلام‌الله مجید، "عمل صالح" که از فضیلت‌های اخلاقی است، در کنار "ایمان به خدا" که شرط پذیرش اعمال است، به کار رفته است. بررسی فراوانی ترکیب ایمان و عمل صالح در قرآن و کیفیت قرارگیری این آیات در کنار یکدیگر، هم‌چنین ثمرات حاصل از این تلفیق، نتایج ارزشمندی را در پی خواهد داشت. در میان آیات هفتادگانه قرآن که ایمان و عمل صالح در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، ایمان و عمل اهل کتاب، مصادیق اعمال صالح و مراتب مؤمنان صالح از دیگر موضوعاتی است که در آیات مدنظر، پرداخته شده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر، پرداختن به ثمرات تلفیق ایمان و عمل صالح و جایگاه ایمان در پذیرش عمل از جانب خداوند است.

پژوهش پیش رو، از آن جهت که قرآن تمام انسان‌ها به جز مؤمنان صالح را در خسران می‌بیند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا

*- استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. Habib_oi@yahoo.com

** - دانشجوی کارشناسی رشته علوم قرآنی. Mpa. 1371@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۱۱



براساس کلام الله مجید تنها عمل صالحی که با ایمان هم‌نشین باشد، مورد پذیرش است و عمل بدون ایمان و هم‌چنین ایمان بدون عمل نه تنها مورد پذیرش خداوند نیست؛ بلکه عذاب دنیوی و اخروی را نیز در پی خواهد داشت. تفسیر مرجع در این پژوهش، تفسیر المیزان از علامه طباطبایی بوده و روش تحقیق نیز کتابخانه‌ای، اسنادی است.

واژه‌های کلیدی

عمل صالح، ایمان، تفسیر المیزان، علامه طباطبایی.

مقدمه

انجام "عمل" در اسلام که کامل‌ترین و آخرین نسخه و حیانی هدایت و حیات بشری است، از اهمیت و جایگاه والا و فرآینده‌ای برخوردار است. توصیه به انجام کار و حرکت دادن جامعه بشری به سوی کوشش و تلاش برای آبادانی جامعه نیز دارای اهمیت فراوانی است. کار و تلاش در کلام الله مجید در مناسبت‌های مختلفی بیان شده است. به جهادگران و تلاشگران در راه خداوند، امید رحمت پروردگار (بقره/۲۱۸)، ورود به بهشت (آل عمران/۱۴۲)، فلاح و رستگاری (مائده/۳۵) وعده داده شده است و آنان را مؤمنان واقعی می‌خواند که مورد آمرزش و مغفرت پروردگار واقع شده‌اند و خداوند، رزق کریم به آن‌ها ارزانی می‌نماید (انفال/۷۴).

سؤال اصلی که در پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ‌گویی به آن هستیم، مربوط به تعاملات ایمان و عمل است. کدام عمل مورد قبول و توصیه قرآن است؟ چه خصوصیتی باید در عمل وجود داشته باشد تا آن عمل پذیرفته شود؟ آیا نفس انجام عمل مهم است یا اینکه لازم است ایمان و اعتقاد نیز به عمل ضمیمه شود؟ جایگاه ایمان و نقش آن در پذیرفتن عمل چیست؟ و عمل بدون ایمان آیا پذیرفته می‌شود؟

این سئوالات و سئوالاتی این چنینی، مواردی هستند که نوشتار پیش رو سعی در پاسخ گویی به آنها دارد.

ایمان

ریشهٔ ایمان، "امن" و ملحقات آن، هفتصد و بیست و سه (۷۲۳) مرتبه در قرآن بیان شده است. ایمان به خداوند (بقره/۲۷۸)، روز آخرت (بقره/۴)، فرشتگان الهی (نساء/۱۵۲)، غیب (بقره/۳)، انبیای الهی (نساء/۱۵۲)، کتب مقدس آسمانی (تحریم/۱۲) و ... از جمله مواردی است که در قرآن کریم، ایمان به آنها، به عنوان صفاتی برای مؤمنین بر شمرده شده است.

ایمان بر اساس آیات نورانی قرآن دارای مراتب است (نساء/۱۳۶) و ایمان همهٔ مردمان در یک سطح نیست، اگرچه همهٔ مؤمنان محترم هستند؛ ولی همه در یک سطح ایمانی قرار ندارند (اسراء/۲۱) تا آنجا که حتی خداوند با اینکه به مؤمنان دستور می‌دهد که به تمام انبیای الهی ایمان بیاورند و میان آنان در ایمان آوردن تفاوتی نگذارند (نساء/۱۵۲)؛ اما در فرازی دیگر، درجات انبیاء را متفاوت از یکدیگر می‌داند (اسراء/۵۵؛ بقره/۲۵۳).

خداوند، مؤمنان را در بسیاری از آیات قرآن مورد خطاب قرار داده (آل عمران/۱۰۰؛ آل عمران/۱۰۲؛ مائده/۱۰۶؛ انفال/۱۵) و دستوراتی را برای آنان فرو فرستاده است تا در گرو عمل به آن فرامین، زندگی دنیا و آخرت آنان نیکو و اصلاح شود (آل عمران/۲۸).

تفسیر المیزان در خصوص جایگاه ویژه ایمان، در زیر تفسیر آیهٔ نود و هفت سورهٔ نحل، بیان می‌کند:

«پس اینکه فرمود: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)؛ «هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با



زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد» (نحل/۹۷)، حکمی است کلی نظیر تأسیس قاعده‌ای برای هر کس که عمل صالح کند، حالا هر که می‌خواهد باشد، تنها مقیدش کرده به اینکه صاحب عمل، مؤمن باشد و این قید در معنای شرط است؛ چون عمل در کسی که مؤمن نیست حبط می‌شود و اثری بر آن مترتب نیست، هم‌چنان که خدای تعالی فرموده: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»؛ «و هر کس منکر ایمان باشد، اعمالش باطل می‌شود» (مائده/۵) و نیز فرموده: «و حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «و آنچه در دنیا تلاش کرده‌اند، بی‌نتیجه می‌شود؛ چون هر چه کرده‌اند باطل بوده است» (هود/۱۶)».

عمل

قرشی در قاموس قرآن می‌گوید:

«کار، اعم از آنکه خوب باشد یا بد، خوب و بد بودن آن به وسیلهٔ قرینه معلوم می‌شود، مثل (قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ) (قصص/۱۵) و مثل (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ) (فاطر/۱۰)، راغب می‌گوید: ^۱عمل، هر فعلی است که از حیوان روی قصد واقع شود، آن از فعل اخص است؛ زیرا فعل گاهی به فعل حیوانات که لاعن قصد سرزند، اطلاق می‌شود و بعضاً به فعل جمادات نیز گفته می‌شود؛ ولی عمل خیلی کم بلا قصد و فعل جماد گفته می‌شود. در

۱- «العَمَلُ: كل فعل يكون من الحيوان بقصد، فهو أخص من الفعل، لأن الفعل قد ينسب إلى الحيوانات التي يقع منها فعل بغير قصد وقد ينسب إلى الجمادات والعمل فلما ينسب إلى ذلك ولم يستعمل العَمَلُ في الحيوانات إكفاً في قولهم: البقر العَوَائِلُ والعَمَلُ يستعمل في الأعمال الصالحة والسيئة، قال: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) (البقرة/ ۲۷۷) (وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ) (النساء/ ۱۲۴)، (مَنْ يَعْمَلُ سُوءاً يُجْزَ بِهِ) (النساء/ ۱۲۳)، (وَنَجَّيْنَا مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ) (التحریم/ ۱۱)». (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۸۷).

اقترب‌الموارد گفته که عمل در کاری گفته می‌شود که از روی عقل و فکر باشد؛ لذا با علم مقرون می‌شود؛ ولی فعل اعم است. پس فرق بین عمل و فعل، اعم و اخص است. این فرق را از قرآن مجید نیز می‌شود استفاده کرد که عمل به اعمال و کارهای ارادی اطلاق شده؛ ولی فعل گاهی در افعال جماد نیز به کار رفته است، مثل (بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا) (انبیاء/۶۳). «(قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۵).

همان‌گونه که روشن است به هر نوع کاری، عمل اطلاق می‌شود و حُسن و قبح عمل، هیچ ربطی در نامگذاری و انتساب آن ندارد؛ بلکه صفتِ عمل، نظر به نوع، جنس، کم و کیفِ عمل تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال شما می‌گویید: عمل صالح، عمل سیئ، کار خوب، کار بد، کار زیاد، کار بدنی، کار فکری، کار اندیشمندان و صفاتی از این قسم که هر یک به تنهایی می‌تواند صفتی برای عمل واقع شود.

ریشه "عمل" و مشتقات آن، در حالت فعلی، اسمی، هم‌چنین در حالت صیغه مفرد و جمع و در حالت ماضی، مضارع، اسم فاعل، مفعول و ... (سیصد و سیزده) ۳۱۳ مرتبه در قرآن به کار رفته است.

صالح

راغب در مفردات می‌گوید:

«صَلَحَ نَقَطَةً مُقَابِلَ فِسَادٍ وَ تَبَاهَى اسْتِ وَ بِيَشْتَرُ كَارِبَرْدَشَانِ دَرِ اَفْعَالِ وَ كَارِهَاسْت. دَرِ قُرْآنِ وَ اِزَّةً "صَلَحَ" گاهی دَرِ مُقَابِلِ فِسَادِ وَ زَمَانِی دَرِ مُقَابِلِ زَشْتِی وَ بَدِی آمَدَه اسْت (خسروی حسینی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۱۲).

جوهری نیز این لغت را به همین شکل تعریف می‌کند (جوهری، ۱۳۷۶ هـ.ق، ج ۱: ۳۸۳). ریشه "صَلَحَ" و مشتقات آن در سی و هفت حالتِ مختلف، صد و هشتاد مرتبه در آیات قرآن به کار رفته است.



عمل صالح

"عمل صالح" یکی از ترکیب‌های قرآنی است که وقتی ریشه‌های آنها، یعنی "عمل" و "صلح" را به ترتیب در قرآن جستجو می‌کنیم، نود (۹۰) مرتبه در قرآن تکرار شده است.^۱ هنگامی که ریشه "صلح" بر "عمل" مقدم می‌شود، دقیقاً چهارده (۱۴) مرتبه در قرآن به آن اشاره شده است که برخی با مورد اول تکراری است. پس از بررسی تمام مواردی که در کلام‌الله مجید، ریشه "عمل" و "صلح" در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند با حذف موارد تکراریِ دو گروه، به طور دقیق می‌توان گفت که ریشه "عمل" و "صلح"، نود و سه مرتبه (۹۳) در قرآن تکرار شده‌اند.

این کثرت استعمال و قرابت دو کلمه "عمل" و "صلح" در قرآن، شاید دلالت بر تأکید بسیار زیاد قرآن بر ضمیمه کردن نیکی و شایستگی با اعمال می‌نماید.

اگرچه در قرآن ریشه "عمل" و مشتقات آن با ریشه "سوء" و مشتقات آن نیز ضمیمه شده‌اند؛ ولی در تمام این دسته آیات، تأکید قرآن بر توبه و بازگشت از اعمال زشت (زمر/۳۵) و کنار گذاشتن آنها یا مذمت بدپیشه‌گان (توبه/۹) و بر شمردن عذاب‌های دردناکی که در انتظار آنهاست (فصلت/۲۷).

عمل صالح چه عملی است؟ و ملاک تشخیص آن کدام است؟ ملاک تشخیص عمل صالح، بر اساس نگرش الهی و در جهان‌بینی الهی، خداوند، پیامبر، اولی‌الامر و کسانی که در طریق آنان هستند، است؛ از این رو، هر عملی که انسان را به قُرب الهی نزدیک کند،

۱. "صلح" و مشتقات آن، یکصد و هفتاد (۱۷۰) مرتبه در قرآن تکرار شده است.

صفت فضیلت و عمل صالح به حساب می‌آید و هر عملی که انسان را از قُرب الاهی دور کند، صفت رذیله و عمل غیر صالح محسوب می‌شود.^۱

عمل غیر صالح

شایان به ذکر است که در قرآن فقط در یک مورد از عبارت "عمل غیر صالح" استفاده شده است. بلی، در قرآن اعمال سوء (آل عمران/۳۰) یا کسانی که اعمال سوء و زشت مرتکب می‌شوند (بقره/۸۱)؛ بقره/۱۶۹)، به دفعات استفاده شده است؛ اما ترکیب "عمل غیر صالح" تنها دربارهٔ فرزند حضرت نوح به کار رفته است (هود/۴۶). از آنجا که این مورد با موضوع تحقیق در ارتباط نیست، به آن نمی‌پردازیم.

۱- نک: (إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَسَبًا إِنَّهُ يَبْدُوُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ)؛ «بازگشت همه شما به سوی او است، این وعده خدا حق است که همو خلقت را آغاز کرد و همو خلق را به سوی خود برمی‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده، اعمال صالح کردند به عدالت پاداش دهد و کسانی که کفر ورزیدند برای آنان شرابی از آب جوشان جهنم است و به خاطر کفرشان عذابی دردناک دارند.» (یونس/۴)؛ (مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَونَ مَوْطِنًا يَعْغِطُ الْكُمُازَ وَلَا يَسْأَلُونَ مِّنْ عَدُوٍّ نَّبِيًّا إِلَّا كَتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ)؛ «مردم مدینه و بادیه‌نشینان اطرافشان نباید از پیغمبر خدا تخلف کنند و نه جان خویش از جان وی عزیزتر دارند، این بخاطر آن است که در راه خدا تشنگی و رنج و گرسنگی به آنان نمی‌رسد و در جایی که کافران را به خشم آورد قدم نمی‌گذارند و ضربهای از دشمن نمی‌خورند، مگر آنکه به عوض آن برای ایشان عمل صالحی نویسند که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.» (توبه/۱۲۰)؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا)؛ «هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و رسول و کارداران خود را که خدا و رسول علامت و معیار ولایت آنان را معین کرده، فرمان ببرید و هر گاه در امری اختلافتان شد برای حل آن به خدا و رسول مراجعه کنید، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید این برایتان بهتر و سرانجامش نیکوتر است.» (نساء/۵۹).



ایمان و عمل

ریشه "امن" و "عمل" و مشتقات آن‌ها در کلام‌الله مجید با تقدم ایمان بر عمل، نود و شش (۹۶) بار در قرآن تکرار شده است. هنگامی که واژه عمل بر ایمان مقدم می‌شود، این ترکیب، سیزده (۱۳) مرتبه در آیات به کار رفته است که با بررسی تمام سیزده مورد، روشن می‌شود که در آیات سیزده‌گانه نیز، تقدم ایمان بر عمل مدنظر است.^۱ در زیر به‌عنوان نمونه به یکی از این آیات اشاره می‌شود:

(وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَءَامَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ)؛ «و کسانی که کارهای بد کرده و پس از آن توبه آورده و مؤمن شده‌اند، پروردگار تو از پی آن آمرزگار و رحیم است.» (اعراف/۱۵۳).

ایمان و عمل صالح

شرط اساسی حیات طیبه که همانا زندگی شایسته در دنیا و سعادت‌مندی آخرت است در گرو ایمان و عمل صالح است؛ از این رو، خداوند می‌فرماید: «هیچ فرقی میان زن و مرد، پیر و جوان، سیاه و سفید و دیگر رنگ‌ها و نژادها نیست؛ آنچه مهم است و حیات طیبه را برای انسان به ارمغان می‌آورد، ایمان و عمل صالح است.»

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)؛ «هر کس از مرد و زن عمل شایسته کند و مؤمن باشد او را زندگی نیکو دهیم و پاداششان را بهتر از آنچه عمل می‌کرده‌اند، می‌دهیم.» (نحل/۹۷).

۱- سیزده آیه مدنظر عبارتند از: نساء/۱۲۴؛ مائده/۹۳؛ اعراف/۱۵۳؛ توبه/۱۰۵؛ یونس/۹؛ نحل/۹۷؛ طه/۱۱۲؛ انبیاء/۹۴؛ نور/۵۵؛ سبا/۳۷؛ غافر/۴۰؛ محمد/۲؛ طلاق/۱.

علامه طباطبایی نیز در این خصوص می‌فرماید:

«وعدۀ جمیلی است که به زنان و مردان مؤمن می‌دهد که عمل صالح کنند و در این وعدۀ جمیل فرقی میان زنان و مردان در قبول ایمانشان و در اثر اعمال صالحشان که همان احیاء به حیات طیبه و اجر به احسن عمل است، نگذاشته و این تسویه میان مرد و زن علی‌رغم بنائی است که بیشتر غیرموحدین و اهل کتاب از یهود و نصاری داشتند و زنان را از تمامی مزایای دینی یا بیشتر آن محروم می‌دانستند و مرتبۀ زنان را از مرتبۀ مردان پایین‌تر می‌پنداشتند و آنان را در وضعی قرار داده بودند که به هیچ وجه قابل ارتقاء نبود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۹۲).

علامه طباطبایی در ادامه تفسیر آیه با ایضاح مفهومی "احیای حیات طیبه" که توسط خداوند در آیه بیان می‌شود، می‌فرماید:

«حیات طیبه‌ای که خداوند به زن و مرد نکو کردار وعده داده است، حیاتی حقیقی و جدید است که مرتبه‌ای بالا و والا از حیات عمومی و دارای آثاری مهم است و در جمله "فَلنُحِیْنَهُ حَیْآةً طَیْبَةً" حیات، به معنای جان‌انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است؛ پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد، مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می‌کند که اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد؛ زیرا اگر مقصود این بود، کافی بود که بفرماید: ما حیات او را طیب می‌کنیم؛ ولی این‌طور نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می‌سازیم.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۹۲).

با بررسی قرابت و هم‌نشینی ایمان و عمل صالح در ریشه‌های آن‌ها در کلام‌الله مجید، معلوم می‌شود که سه ریشه "امن"، "عمل" و "صلح"، مجموعاً شصت و پنج مرتبه (۶۵) در قرآن آمده است. با



مقدم داشتن ریشه "عمل" و "صلح" بر "امن" نیز، یازده (۱۱) مورد یافت می شود که با حذف موارد تکراری، تنها پنج (۵) مورد باقی می ماند که در آیات پیشین، اشاره ای به آن ها نرفته است؛ بنابراین، مجموع ترکیب این سه ریشه و مشتقات آن ها در قرآن، دقیقاً هفتاد (۷۰) مرتبه است.

در ادامه این نوشتار برآنیم تا اصول کلی حاکم بر این هفتاد مورد (موارد هم نشینی ایمان و عمل صالح) در قرآن را بررسی و ثمره آن را تقدیم خوانندگان عزیز نماییم. آنچه پس از بررسی آیات مدنظر به دست می آید را می توان در چهار دسته تقسیم بندی کرد:

آثار عمل صالح

پاداش اعمال

خداوند سبحان براساس عدالت و فضل بیکران خود به آنانی که ایمان آورده، عمل صالح انجام می دهند، پاداش می دهد. براساس آیاتی که ذکر آن ها گذشت، پاداش مؤمنینی که عمل صالح انجام می دهند را می توان به قرار زیر بر شمرد:

◀ ثبت کوشش ها و تلاش های آنان و دریافت پاداش (انبیاء/۹۴؛ حج/۵۰)؛

◀ روزی بی حساب و ورود به بهشت (غافر/۴۰)؛

◀ پاداش کامل اعمال (آل عمران/۵۷)؛

◀ دریافت پاداش بر اساس فضل الاهی (نساء/۱۷۳؛ عنکبوت/۷؛ روم/۴۵)؛

◀ مغفرت و اجر عظیم (مائده/۹؛ حج/۵۰؛ سبأ/۴؛ فاطر/۷؛ فتح/۲۹)؛

◀ جزا و پاداش آنان براساس قسط و داد (یونس/۴)؛

◀ عاقبت خوش (رعد/۲۹)؛

◀ پاداش کبیر (اسراء/۹)؛

◀ پاداش نیکو (کهف/۲)؛

◀ عدم تزییع حقوق آنان (کهف/۳۰)؛

◀ راحتی و آسایش (کهف/۸۸)؛

◀ درجات عالی (طه/۷۵)؛

◀ صبر و پاداش الاهی (قصص/۸۰)؛

◀ تکفیر (پاک شدن) گناه (عنکبوت/۷)؛

◀ تبدیل سیئات به حسنات (فرقان/۷۰)؛

◀ پاداش مضاعف در غرفه‌های بهشت (سبا/۳۷)؛

◀ عدم تساوی مؤمنین صالح کردار و فاجران (ص/۲۸؛ غافر/۵۸)؛

◀ پاداشی که هیچ گاه قطع نمی‌شود (غیرممنون) (فصلت/۸)؛

انشقاق/۲۵؛ تین/۶)

◀ استجاب دعا و اعطا از فضل الاهی (شوری/۲۶)؛

◀ ورود در زمره صالحین (عنکبوت/۹).

پاداش بهشت

در بسیاری از موارد هفتادگانه آیات کلام‌الله مجید، برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، بهشت به‌عنوان منزلگاه آنان در نظر گرفته شده است. آنان به علت داشتن ایمان و انجام اعمال صالح، مستحق بهشت می‌شوند: (وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُوبُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)؛ «کسانی که ایمان آورده و کارهای صالح کرده‌اند، نویدشان ده که بهشت‌ها در پیش دارند که جوی‌ها در آن روانست و چون میوه‌ای از آن روزیشان شود بگویند این همانست که قبلاً روزی ما شده بود و نظیر آن به ایشان بدهند و در آنجا همسران پاکیزه دارند و خود در آن جاودانند.» (بقره/۲۵).

ورود به بهشت و غرفه‌های بهشتی (عنکبوت/۵۸؛ حج/۵۶؛ مریم/۶۰)



که نهرهای روان در آن جاری است (نساء/۱۲۴؛ لقمان/۸؛ سجده/۱۹؛ محمد/۱۲)، جاودانه بودن در بهشت (نساء/۱۲۲)، خلود در بهشت با زوج‌های پاک و طاهر (بقره/۲۵؛ طلاق/۱۱)، استفاده از سایه‌های دائمی بهشت (نساء/۵۷)، ورود به بهشتی که تحیت و سلام بهشتیان در آن است (ابراهیم/۲۳)، باغ فردوس (کهف/۱۰۷)، استفاده از نعمت‌های فراوان بهشتی چون دست‌بندهای طلا و لباس حریر (حج/۲۳)، شاد و خرم بودن در بهشت (روم/۱۵) و روضات جنات (شوری/۲۲؛ شوری/۲۲)، از مواردی است که در برخی از آیات به آن‌ها اشاره شده است.

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ)؛ «و کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند، ما در غرفه‌های بهشتی منزلشان می‌دهیم، غرفه‌هایی که از پایین آن نهرها جاری است و ایشان همیشه در آن خواهند بود و چقدر خوب است پاداش اهل عمل.» (عنکبوت/۵۸).

رستگاری

رستگاری (قصص/۶۷)، داخل در رحمت و اسعۀ پروردگار شدن و فوز و رستگاری مبین (جاثیه/۳۰)، خروج از ظلمت به سوی نور (طلاق/۱۱)، ورود به بهشت و رسیدن به فوز کبیر (بروج/۱۱)، هدایت و نجات به واسطۀ ایمان (یونس/۹)، تکفیر سینات، ورود به بهشت جاودان و در نهایت فوز و رستگاری عظیم (تغابن/۹)، نیز در گرو ایمان و عمل صالح است. خداوند می‌فرماید: (فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ)؛ «و اما کسی که توبه کرد و ایمان آورد و عمل صالح به جا آورد، امید آن هست که از رستگاران باشد.» (قصص/۶۷) و هم چنین می‌فرماید: (فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ)؛ «پس آنهایی که ایمان

آورده، اعمال صالح کردند، پروردگارشان آن‌ها را داخل در رحمت خود می‌کند. این همان رستگاری آشکار است.» (جائیه/۳۰).

وعده‌های گران سنگ الاهی

خداوند به مؤمنان صالح، وعده‌های ارزشمند و گران‌سنگی را عنایت کرده است. جانشینی بر روی زمین، حیات طیبه و قرار گرفتن محبت و مودت انسان در قلوب مردم از جمله آن وعده‌های ارزشمند است.

● جانشینی بر روی زمین، وعده صادق خداوند برای تمام کسانی است که ایمان آورده، عمل صالح انجام می‌دهند: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)؛ «خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده کرده که شما را در این سرزمین جانشین دیگران کند، آنچنان که اسلاف و گذشتگان آنان را جانشین کرد و نیز دینشان را آن دینی که برای ایشان پسندیده، استقرار دهد و از پی ترسی که داشتند، امنیت روزیشان فرماید تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نکنند و هر کس پس از این کافر شود، آنان خود عصیان‌پیشگانند.» (نور/۵۵).

علامه با استناد به سیاق آیه و سیاق آیات زیر آن، درباره آیه می‌فرماید:

«در نتیجه، این آیه وعدهٔ جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند، به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعهٔ صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۰۹).

● حیات طیبه، دیگر موهبت و وعده‌ای است که خداوند به مؤمنان



صالح عنایت می‌کند. خداوند در آیه ۹۷ سوره نحل، به این مسئله مهم پرداخته و بیان می‌دارد که ما مؤمنان صالح کردار را حیاتی طیبه عنایت می‌کنیم؛ اما حیات طیبه چگونه حیاتی است؟ آیا زندگانی که از دیگر زندگی‌ها، قدری بهتر است؟ یا نوعی دیگر از زندگی است؟ در این خصوص، علامه می‌فرماید:

«و در جمله فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً حیات، به معنای جان‌انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است؛ پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۹۱).

● مودت و محبت، وعده دیگر پروردگار برای مؤمنین صالح کردار است. پروردگار در آیه ۹۶ سوره مریم به مودت و محبتی که خداوند در دل افراد مؤمن صالح کردار قرار می‌دهد، سخن می‌راند. علامه در این خصوص می‌فرماید:

«کلمه "ودّ" و "مودت" به معنای محبت است و در این آیه شریفه، وعده جمیلی از ناحیه خدای تعالی آمده که به زودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند، مودتی در دل‌ها قرار می‌دهد، دیگر مقید نکرده کدام دل‌ها، آیا دل‌های خودشان یا دل‌های دیگران؟ آیا در دنیا یا در آخرت یا بهشت؟ و چون مقید نکرده، وجهی ندارد آن را مانند بعضی‌ها (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۳۲) مقید به بهشت کنیم و به قول بعضی دیگر مقید به قلوب همه مردم دنیا کنیم یا مقید به قیودی دیگر بسازیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۵۴).

برترین مردمان

در آیات هفتادگانه مورد بحث، "خیر البریه" به مؤمنان صالح اطلاق شده است، یعنی برترین مردمان، مؤمنانی هستند که عمل صالح انجام می‌دهند: (إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)؛ «و

کسانی که ایمان آورده، اعمال صالح کردند، ایشان بهترین خلق خدایند.» (بینه/۷).

علامه در این خصوص می‌فرماید:

«در این آیه، خیریت را منحصر در مؤمنین کرده که اعمال صالح می‌کنند، هم‌چنان که در آیهٔ قبلی شریّت را منحصر در کفار می‌کرد و این انحصار از آوردن ضمیر "هُم" استفاده می‌شود؛ چون اگر فرموده بود: "اولئک شر البریه" معنایش این می‌شد که ایشان بدترین خلقند و این منافات نداشت با اینکه اشخاص دیگری هم بدترین خلق باشند؛ ولی عبارتی که در آیه آمده، معنایش این است که ایشان بدترین خلق هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۷۸).

در تفسیر المیزان در اتمام تفسیر سوره، به یک بحث روایی هم اشاره می‌نماید که در زیر به آن اشاره می‌نماییم: «در الدر المنثور^۱ است که ابن مردویه از عایشه روایت کرده که گفت: به رسول خدا ﷺ عرضه داشتم یا رسول الله گرامی‌ترین خلق نزد خدای عزوجل کیست؟ فرمود: ای عایشه مگر آیهٔ شریفه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) را نمی‌خوانی؟» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۳۷۹) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۷۹) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۲۴).

۱- و در همان کتاب است که ابن‌عساکر از جابر بن عبد الله روایت کرده که گفت: «نزد رسول خدا ﷺ بودیم که علی ۷ از راه رسید، رسول خدا ﷺ فرمود: به آن خدایی که جانم به دست او است، این مرد و پیروانش (شیعیانش) تنها و تنها رستگاران در قیامتند. آنگاه این آیه نازل شد: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) از وقتی که این آیه نازل شد، اصحاب رسول خدا ﷺ هر وقت علی را می‌دیدند که دارد می‌آید، می‌گفتند: "خَيْرُ الْبَرِيَّةِ" آمد.»

۲- در مجمع‌البیان از مقاتل بن سلیمان از ضحاک از ابن‌عباس روایت کرده که در تفسیر کلمه "هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ" گفته است: «این آیه شریفه دربارهٔ علی و اهل‌بیتش نازل شده.»



مراتب مؤمنین صالح

ایمان بر اساس آیات قرآن و روایات اسلامی دارای مراتب متعدد و مختلفی است؛ از این رو؛ حتی کسانی که ایمان می آورند و عمل صالح انجام می دهند، نیز توصیه به تقوا، ایمان و انجام اعمال صالح می شوند: (لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَ أَحْسَنُوا وَ اللّٰهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)؛ «بر کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح کرده اند، گناه و حرجی نیست در آنچه که قبل از این از محرمات خورده اند؛ البته وقتی که پرهیز کرده و ایمان آورند و عمل صالح کنند آنگاه پرهیز کرده و ایمان آورند سپس پرهیز کرده و نیکویی کنند و خداوند دوست می دارد نیکوکاران را.» (مائده/۹۳).

علامه طباطبایی در ذیل آیه، پس از بیانی کاملاً جامع و مفصل و برقراری ارتباط میان این آیه و آیات قبل، درباره مراتب ایمان و تقوا می فرماید: «و اما اینکه سه بار تقوا را تکرار کرد و مراحل سه گانه ایمان و عمل صالح و احسان را به آن تفسیر نمود، برای این بود که تأکید کند به لزوم مقارنت این مراحل با تقوای واقعی و اینکه نباید در این مراحل هیچ گونه غرض غیردینی در کار باشد و ما سابقاً در بعضی از مباحث بیان کردیم که تقوا یک مقام خاص دینی و معنوی نیست؛ بلکه حالتی است روحی که شامل تمامی مقامات معنوی می شود، به این معنا که برای هر درجه و مقامی از مقامات معنوی، تقوایی است مخصوص به خود آن مقام.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۹۰).

ایمان و عمل اهل کتاب

در آیات هفتاد گانه مورد بحث، در دو آیه به اهل کتاب و ایمان آن ها اشاره شده است. اهل کتاب در این آیات شامل یهودیان، مسیحیان، صابئین است. خداوند در این آیات صریحاً بیان می کند که هر یک از آنان، ایمان به خدا و معاد داشته

باشند، ایمان آورده، عمل صالح انجام دهند، خداوند به آنان پاداششان را می‌دهد: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّبِيْنَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)؛ «به درستی کسانی که مؤمنند و کسانی که یهودی و نصرانی و صابئی هستند، هر کدام به خدا و دنیای دیگر معتقد باشند و کارهای شایسته کنند، پاداش آن‌ها پیش پروردگارشان است، نه بیمی دارند و نه غمگین می‌شوند.» (بقره/۶۲).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۶۲ سوره بقره با توجه به جایگاه کار، ایمان و عمل صالح می‌فرماید:

«در این آیه، مسئله ایمان تکرار شده و منظور از ایمان دومی، به طوری که از سیاق استفاده می‌شود، حقیقت ایمان است و این تکرار می‌فهماند که مراد از (الَّذِينَ آمَنُوا) در ابتدای آیه، کسانی هستند که ایمان ظاهری دارند و به این نام و به این سمت شناخته شده‌اند؛ بنابراین معنای آیه این می‌شود: این نام‌ها و نام‌گذاری‌ها که دارید، از قبیل مؤمنین، یهودیان، مسیحیان، صابئیان، این‌ها نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، نه شما را مستحق پاداشی می‌کند و نه از عذاب او ایمن می‌سازد؛ هم‌چنان که یهود و نصاری بنا به حکایت قرآن می‌گفته‌اند: (لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى)؛ «داخل بهشت نمی‌شود، مگر کسی که (به خیال ما یهودیان) یهودی باشد یا کسی که (به زعم ما مسیحیان)، نصاری باشد.» (بقره/۱۱۱)؛ بلکه تنها ملاک کار و سبب احترام و سعادت، حقیقت ایمان به خدا و روز جزاء است و نیز عمل صالح است و به همین جهت در آیه شریفه نغمود: (مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ) هر کس از ایشان ایمان بیاورد، یعنی ضمیری به موصول (الذین) بر نگرداند با اینکه در صله، برگرداندن ضمیر به موصول لازم بود تا آن فائده موهومی را که این طوائف برای نام‌گذاری‌های خود خیال می‌کردند، تقریر نکرده باشد؛ چون اگر ضمیر بر می‌گرداند، نظم کلام، این تقریر و امضاء را می‌رساند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۹۳).

علامه با تأکید بیشتر بر ایمان و عمل صالح در ادامه تفسیر آیه، با بی‌اعتبار دانستن نام‌گذاری‌های موجود با رستگاری و کمال انسان،



معتقد است از این نام گذاری ها چیزی حاصل نمی شود؛ بلکه آنچه مهم و حائز اهمیت است، باطن عمل است؛ از این رو می فرماید:

«و این مطلب در آیات قرآن کریم مکرر آمده که سعادت و کرامت هر کسی دائر مدار و وابسته به عبودیت است، نه به نام گذاری، پس هیچ یک از این نام ها سودی برای صاحبش ندارد و هیچ وصفی از اوصاف کمال برای صاحبش باقی نمی ماند و او را سود نمی بخشد مگر با لزوم عبودیت و حتی این نام گذاری ها، انبیاء را هم سود نمی دهد تا چه رسد به پائین تر از آنان، هم چنان که می بینیم خدای تعالی در عین اینکه انبیاء خود را با بهترین اوصاف می ستاید، مع ذلک درباره آنان می فرماید: (وَلَوْ أَشْرَكُوا، لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)؛ «انبیاء هم اگر شرک بورزند، اعمالی که کرده اند، بی اجر می شود.» (انعام/۸۸) و در خصوص اصحاب پیامبر اسلام و کسانی که به وی ایمان آوردند با آنکه در جای دیگر از عظمت شان و علو قدرشان سخن گفته، می فرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)؛ «خدا به بعضی از کسانی که ایمان آورده و عمل صالح کرده اند، وعده مغفرت و اجر عظیم داده است.» (فتح/۲۹) که کلمه (منهم) وعده نام برده را مختص به بعضی از ایشان کرده، نه همه آنان.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۹۴).

در آیه ۶۹ سوره مائده نیز به همان مسئله سابق که همانا ایمان و عمل صالح برای همگان است، اشاره شده است؛ البته این مسئله حائز اهمیت است که چه لزومی دارد مسلمانان، دیگران را به کامل ترین دین دعوت کنند، در صورتی که هر کس به هر دینی که باشد و ایمان و عمل صالح انجام دهد، سزاوار پاداش خواهد بود؟ در پاسخ می گوئیم که این حکم برای آن دسته از اهل کتاب است که دین کامل بر آن ها عرضه نشده است؛ زیرا اگر آنان بدانند و به یقین برسند که دین کاملی چون اسلام وجود دارد و از آن تبعیت نکنند، قطعاً ظلم و کفران کرده و نه تنها مستحق پاداش نیستند؛ بلکه سزاوار عذاب نیز هستند.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

الْأَخْرِ وَ عَمَلٍ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ)؛ «به درستی منافقینی که به ظاهر ایمان آوردند و آنان که یهودی‌گری را اختیار کردند و هم‌چنین بی‌دینان و نصارا هر کدام از آنان به خدا و روز جزا ایمان صحیح بیاورند و عمل صالح کنند، ترسی بر ایشان نیست و (خداوند از کفر قبلیشان می‌گذرد) در آخرت اندوهی ندارند.» (مائده/۶۹).

مصادیق عمل صالح

در برخی از آیات هفتادگانه مورد بحث، پس از ذکر ایمان و عمل صالح، به صفات دیگری نیز اشاره می‌شود که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود. این موارد را می‌توان از مصادیق اعمال صالح بر شمرد؛ زیرا بسیاری از آن‌ها از قبیل ذکر خاص بعد از عام است، به این معنا که با ذکر "عمل صالح"، دیگر بی‌نیاز از بیان مصادیق آن هستیم؛ زیرا آن‌ها نیز، جملگی عمل صالح هستند؛ ولی به علت اهمیت زیاد آن‌ها، مجدداً آن‌ها ذکر شده‌اند:

◀ اقامه نماز (بقره/۲۷۷)؛

◀ پرداخت زکات (بقره/۲۷۷)؛

◀ تلاش بر اساس توان (اعراف/۴۲)؛^۱

◀ تواضع و فروتنی (هود/۲۳)؛

۱- «جمله (لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) (اعراف/۴۲)، برای تقویت دل‌های مؤمنین و امیدوار ساختن آنان است؛ چون قبلاً ایمان را مقید به عمل صالح کرده بود و معلوم است کمتر کسی از مؤمنین موفق می‌شود جمیع اعمال صالح را انجام داده و به مقتضای کلمه "الصالحات" که جمع با الف و لام و مفید استغراق است، هیچ یک از اعمال صالح را ترک نکند و این خود باعث نومی‌دی بیشتر مؤمنین است؛ لذا در جمله مورد بحث به خاطر رفع این نگرانی می‌فرماید: «تکلیف هر کس به قدر وسع و استطاعت او است؛ پس هر کس اعمال صالح به قدر طاقت خود انجام دهد و لو خود را به مشقت هم نیندازد، باز از اهل این آیه و از اصحاب بهشت جاودان خواهد بود.» (طباطبایی، محمدحسین، مترجم: موسوی همدانی، محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۱۴۵).

- ◀ ذکر کثیر (شعرا/۲۲۷)؛
- ◀ ایستادگی در برابر ظلم (شعرا/۲۲۷)؛
- ◀ عدم ترس از ظلم و زبونی (طه/۱۱۲)؛
- ◀ توبه (ص/۲۴)؛
- ◀ رکوع (ص/۲۴)؛
- ◀ قضاوت عادلانه (ص/۲۴)؛
- ◀ توصیه به حق (عصر/۳)؛
- ◀ توصیه به صبر (عصر/۳)؛^۱

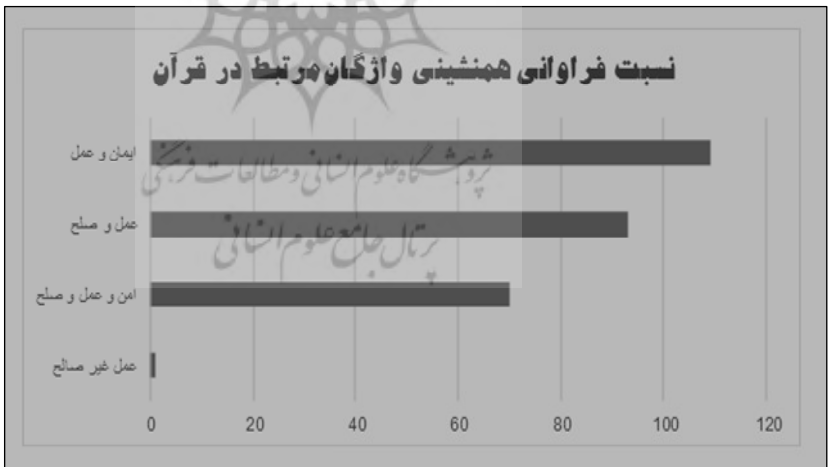
۱- «(و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ) کلمه "تواصی" به معنای سفارش کردن این به آن و آن به این است و "تواصی" به حق، این است که یکدیگر را به حق سفارش کنند، سفارش کنند به اینکه از حق پیروی نموده و در راه حق استقامت و مداومت کنند؛ پس دین حق چیزی به جز پیروی اعتقادی و عملی از حق و تواصی بر حق نیست و تواصی بر حق، عنوانی وسیع تر از عنوان امر به معروف و نهی از منکر است؛ چون امر به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادات و مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمی شود؛ ولی تواصی بر حق، هم شامل امر به معروف می شود و هم شامل عناوین مذکور. خصوصیت و اهمیت تواصی به حق و تواصی به صبر که بعد از عنوان کلی "وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" یاد شده، این گونه است. در اینجا سؤالی به نظر می رسد که تواصی به حق، خود یکی از اعمال صالح است و با اینکه قبلاً عنوان کلی "وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" را ذکر کرده بود، چه نکته ای باعث شد که خصوص تواصی به حق را نام ببرد؟ جوابش این است که این نمونه از قبیل ذکر خاص بعد از عام است که در مواردی به کار می رود که گوینده نسبت به خاص عنایت بیشتری داشته باشد و شاهد بر اینکه خدای تعالی از میان همه اعمال صالح به تواصی به حق عنایت بیشتر داشته و بدین منظور خصوص آن را بعد از عموم اعمال صالح ذکر نموده، این است که همین تواصی را در مورد صبر نیز تکرار کرد و با اینکه می توانست بفرماید: "و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ الصَّبْرِ"، فرمود: "و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ". و بنا بر همه آنچه گفته شد، ذکر تواصی به حق و به صبر، بعد از ذکر اتصافشان به ایمان و عمل صالح برای این بوده که اشاره کند به حیات دل های مؤمنین و پذیراگشتن سینه هاشان برای تسلیم خدا شدن؛ پس مؤمنین اهتمامی خاص و اعتنایی تام به ظهور سلطنت حق و گسترده شدن آن بر همه مردم دارند و می خواهند همه جا حق پیروی شود و پیروی آن دائمی گردد.» (طباطبایی، محمدحسین، مترجم: موسوی همدانی، محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۱۲).

نتیجه

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در هفتاد آیه از قرآن "ایمان" و "عمل صالح" در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. نسبت فراوانی سه واژه امن، صلح و عمل در آیات قرآن به ترتیب زیر است:



هم‌چنین نسبت فراوانی هم‌نشینی کلمات مرتبط در قرآن به شرح زیر است:



با توجه به جدول بالا می‌توان ارتباط بین ایمان و عمل صالح را به دست آورد. آیات هفتادگانه‌ای که به آن‌ها اشاره شد را می‌توان در چهار رده متفاوت و تقریباً متمایز از یکدیگر قرار داد. این چهار بخش عبارتند از:

۱. آثار عمل صالح؛



۲. مراتب مؤمنین صالح؛

۳. ایمان و عمل اهل کتاب؛

۴. مصادیق عمل صالح.

فراوانی آیات را می توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد. فراوانی آیات در بخش اوّل و دوم بسیار زیاد و غیرقابل مقایسه با دیگر بخش هاست. مصادیق عمل صالح نیز تقریباً در گروه دوم قرار دارد و فراوانی آیات در آنها بسیار نزدیک به یکدیگر است. دیگر بخش ها نیز از حیث فراوانی در خاتمه، یعنی بخش آخر قرار می گیرند.

فراوانی آیات	بخش های چهارگانه
گروه اوّل	پاداش عمل صالح
گروه دوم	مصادیق عمل صالح
گروه سوم	مراتب مؤمنین صالح - ایمان و عمل اهل کتاب

آنچه مسلم و قطعی است، ترکیب وهم نشینی معجزه آسا و تأثیر سزایند این دو عنصر حیاتی و حیات بخش بر روح و جان آدمی و برون رفت انسان معاصر از قید و بندهای مادیات و شهوات با تکیه بر این دو مؤلفه، ارزشمند و دارای قیمت است. انسان با ایمان و عمل صالح می تواند به رستگاری و فوز عظیم نایل آمده، بهشت و نعمت های بهشتی را شامل حال خویش نماید و در این صورت است که وعده های الهی درباره او تحقق می یابند.

به وضوح روشن است که تمام مؤمنان در این خصوص در یک رده قرار ندارند و مراتب ایمان و عمل آنان متکثر و متفاوت است. روایات پُر بهای اهل بیت : در ذیل برخی از آیات مورد بحث، لقب "صالح المؤمنین" را به حضرت علی ⁷ به عنوان بارزترین مصادیق مؤمنان صالح و برترین خلق نسبت می دهند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه علامه طباطبائی.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن منظور، لسان العرب المحیط، مقدمه شیخ عبداللہ علایلی، بیروت: دارالجبل و داراللسان العرب، ۱۹۸۸م.
۴. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دارالملايين، ۱۳۷۶هـ.ق.
۶. خسروی حسینی، غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، استانبول: دارالقهرمان للطباعه والنشر و التوزیع، ۱۹۸۶م.
۸. رضی، شریف، نهج البلاغه، مترجم: محمد مهدی فولادوند، تهران: صائب، ۱۳۸۰ش.
۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱م.
۱۱. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.



۱۳. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۴. فرآهیدی، خلیل‌ابن‌احمد، ترتیب کتاب‌العین، مقدمه و تعلیق: محمدحسن بکایی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، ۱۴۱۴ق.
۱۵. قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۶. قمی، علی‌بن‌ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتب، ۱۳۶۷ش.
۱۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی